

وضع حقوق بیگانگان در حقوق خصوصی ایران

محمد رضا مرندی^۱، صراف عیسی زاده اجیرلو^۲

^۱ استادیار حقوق، گروه حقوق، واحد گرمی، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمی، ایران

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه حقوق، واحد گرمی، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمی، ایران

چکیده

روند رو به رشد ارتباطات در جهان امروز، نقش توسعه روابط اقتصادی، سیاسی و فرهنگی میان دولت‌ها و ملت‌ها، جایگاه مهم سرمایه‌گذاری خارجی در توسعه اقتصادی و ضرورت جلب و جذب این سرمایه‌ها و اهمیت برقراری تعامل و ارتباط دوستانه با ملل دیگر، گشایش مرزهای جغرافیایی کشورها را برانجام و آحاد سایر ملت‌ها اجتناب ناپذیر نموده است. پیش‌بینی ساز و کارهایی که حقوق قانونی اتباع خارجه و منافع مشروع سرمایه‌گذاران خارجی را در حدود چهارچوب قوانین موضوعه ومدون و مصرح در قانون اساسی و قوانین عادی کشورمان مورد حمایت و پشتیبانی قرار دهد، لازمه تسهیل این روابط و از وظایف و تکالیف دولت است، در آموزه‌های دینی و ملی ما، همیشه بر رعایت حقوق بیگانگان و اقلیت‌های دینی و قومی تاکید شده و برخی از اصول قانون اساسی و مواد قانون مدنی نیز به این مهم اختصاص یافته است. مع الوصف محدودیت‌ها و تکالیفی نیز در این زمینه وجود دارد که با حقوق سیاسی و خصوصی بیگانگان اصطکاک دارد. به ویژه در خصوص تملک اموال غیر منقول توسط اتباع بیگانه قوانین و آئین‌نامه‌ها و مصوباتی وضع گردیده که بیم از تسلط بیگانگان بر اراضی و املاک واقع در محدوده مرزهای جغرافیایی کشور و واگرمه تکرار تجربه تلخ کاپیتولاسیون را حکایت دارد. لذا برآشدم تا تحقیقی در مورد وضعیت حقوق بیگانگان در حقوق خصوصی ایران را مورد بررسی و تحقیق قرار دهیم تا از بتوانیم راهکارهایی مناسب جهت بهبود حقوق خصوصی بیگانگان در کشور ایران ارائه دهیم همچنین بررسی حقوق بیگانگان در حقوق خصوصی ایران این فایده را برای اتباع کشورهای مختلف در بر دارد که قبل از ورود به ایران رابطه خود را با نظام حقوقی کشور مقصد تبیین نماید تا دچار بلاتکلیفی نگردند یا حقیق از حقوق آنها ضایع نشود و در نهایت برای ورود به کشور خود را مهیای تطبیق با مقررات آن سازند.

واژه‌های کلیدی: حقوق، بیگانگان، ایران.

۱- مقدمه

در حقوق خصوصی ایران، بحث حقوق اتباع خارجی، بیش از هر چیز تابع عمل متقابل است. به عبارت بهتر دولت ایران همانگونه با یک تبعه خارجی رفتار خواهد کرد که دولت متبوع او با اتباع دولت ایران رفتار کنند. پدیده مهاجرت قدمتی به عمر تاریخ بشر دارد. پدیده ای که در ادوار گذشته، گاه اساس درگیری ها و منازعات گسترده میان کشورها و دولت، برای تصاحب هرچه بیشتر مهاجران بوده است. با این حال رشد جمعیت، محدودیت منابع غذایی و گسترش افکار مبتنی بر ناسیونالیسم، سبب تغییر نگاه دولت ها به مقوله مهاجرت شده است. تا پیش از تغییر عمده، دولت ها مهاجرت را پدیده ای در جهت گسترش منابع انسانی و به تبع آن درآمد بیشتر می دانستند. قدرت ناشی از فزونی جمعیت، به ویژه در بخش نظامی، این نگاه مثبت را تقویت می کرد. با تغییر این نگاه، رویکرد دولت ها به مقوله مهاجرت نیز تغییر کرد. به ویژه پس از جنگ جهانی دوم و آغاز جنگ سرد، گاه شکلی توأم با خشونت به خود می گرفت، خشونتی که با سیل مهاجرت اتباع جهان سوم به کشورهای صنعتی، شدتی مضاعف پیدا کرد؛ به همین دلیل موضوع حقوق اتباع خارجی در کشورهای بیگانه بیش از پیش مورد توجه حقوقدانان قرار گرفت. حقوقی که برای حفظ کرامت انسانی و ایجاد همزیستی مسالمت آمیز لازم بود (جعفری لاهیجانی، ۱۳۹۰).

۲- بیان مسئله

برخلاف دوران کنونی که شناختن حق تمتع بیگانگان از حداقل حقوق، در کشورهای دیگر از اصول مسلم حقوق بین الملل به شمار می آید و دولت ها ملزم به وضع مقررات و قوانینی هستند که این حداقل را برای بیگانگان تأمین و تضمین نماید؛ گذشته کمتر دولتی چنین حقوقی را برای بیگانگان قایل می شده است؛ در عصر حاضر قوه قانونگذاری هر کشور، گذشته از وضع قواعد حاکم بر روابط اتباع آن کشور با یکدیگر و با دولت، تنظیم قواعد حاکم بر روابط با اتباع بیگانه در قلمرو خود را از یک طرف حق و از طرفی دیگر تکلیف خود می شمارد. غالباً بیگانگان را به شش گروه تقسیم می کنند: ۱- مهاجرین. ۲- جهانگردان. ۳- دانشجویان. ۴- بازرگانان. ۵- بیگانگانی که برای کار به کشور دیگر می روند. ۶- بیگانگانی که بدون کار یا شغل معین در کشوری مقیم هستند. از نظر قوانین ایران بیگانه به فردی اطلاق می شود که تابعیت ایران را ندارد؛ اعم از اینکه تابعیت مملکت دیگری را داشته باشد یا اصلاً فاقد تابعیت باشد. منظور از بحث بیگانگان در نوشتار حاضر، شناسایی حقوق و وظایف اشخاص بیگانه است. هر مملکتی در قوانین داخلی خود، حدودی را برای حقوق و وظایف بیگانگان وضع کرده است و طبیعی است که حقوق و مزایای این قبیل افراد و اتباع تفاوتی خواهد داشت. در ایران نیز همچون سایر دول جهان، مقررات قانونی گوناگون درباره اتباع بیگانه موجود است. در حقوق فعلی ایران، حقوق مربوط به اتباع بیگانه را می توان در سه طیف حقوق - سیاسی، حقوق عمومی و حقوق خصوصی بررسی نمود. در مورد حقوق سیاسی حزم و احتیاط اقتضاء می کند که اتباع بیگانه از حقوقی بهره نگیرند که بوسیله آن بتوانند در امور داخلی و سیاسی یک کشور دخالت کرده و اعمال نفوذ نمایند. به هر حال سعی ما در تحقیق پیش رو بر این است تا با شناخت و تشریح قوانین مربوط به اتباع بیگانه، آنها را مورد واکاوی قرار داده و مورد انطباق با قواعد عام حقوق بین الملل در خصوص اتباع بیگانه قرار دهیم. بر همین اساس در ابتدا به اصول و مبانی حقوق بیگانگان پرداخته و در ادامه به وضعیت اشخاص حقیقی و حقوقی بیگانه در ایران می پردازیم. مبحث پیش رو برای ایضاح این مطلب است که حقوق و تکالیف بیگانگان در قیاس با حقوق و تکالیف اتباع داخله چیست و حدود حق تمتع آنها در ایران چه می باشد (بهرام پور، ۱۳۹۱).

۳- روش تحقیق

روش این تحقیق مبتنی بر روش تحقیق تحلیلی و توصیفی بوده و روش گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه ای است.

۴- تعریف تبعه بیگانه و تقسیمات آن

تابعیت، تعلق حقوقی و معنوی شخص به یک دولت است. شخصی که تبعه‌ی یک کشور باشد، از حقوق و تکالیفی برخوردار می‌شود. در تابعیت، رابطه‌ی فرد با دولت، رابطه‌ای حقوقی، معنوی و دارای ماهیت سیاسی است. وجود علقه‌ی تابعیت میان فرد و دولت سبب می‌شود که فرد در همه‌ی کشورهای بیگانه از حمایت سیاسی دولت متبوع خود بهره‌مند شود.

مطابق قوانین موجود، اشخاص زیر تبعه‌ی ایران محسوب می‌شوند:

۱- کلیه‌ی ساکنین ایران به استثنای اشخاصی که تبعیت خارجی آنها مسلم باشد؛ تبعیت خارجی کسانی مسلم است که مدارک تابعیت آنها مورد اعتراض دولت ایران نباشد.

۲- کسانی که پدر آنها ایرانی است اعم از اینکه در ایران یا در خارجه متولد شده باشند.

۳- کسانی که در ایران متولد شده و پدر و مادر آنها غیر معلوم باشند.

۴- کسانی که در ایران از پدر و مادر خارجی که یکی از آنها در ایران متولد شده به وجود آمده‌اند.

۵- کسانی که در ایران از پدری که تبعه‌ی خارجه است به وجود آمده و بلافاصله پس از رسیدن به سن هجده سال تمام، لاقلاً یک سال دیگر در ایران اقامت کرده باشند و الا قبول شدن آنها به تابعیت ایران بر طبق مقرراتی است که مطابق قانون برای تحصیلات تابعیت ایران مقرر است. از نظر قوانین ایران، بیگانه کسی است که تابعیت ایران را ندارد؛ اعم از این که تابعیت مملکت دیگری را داشته باشد یا اصلاً بدون تابعیت (آپاترید) باشد (همان منبع).

۵- مبانی قانونی حقوق بیگانگان در ایران

اصل چهاردهم قانون قانون اساسی که برگرفته از سوره الممتحنه در قرآن کریم است؛ دولت جمهوری اسلامی ایران را مکلف به رعایت قسط و عدل و اخلاق حسنه با افراد غیرمسلمان و رعایت حقوق انسانی اتباع بیگانه نموده است. مادامی که آنها علیه اسلام و جمهوری اسلامی ایران توطئه و اقدام نمایند. مواد ۵ تا ۹ و ۹۶۱ تا ۹۹۱ قانون مدنی و موادی از قانون آیین دادرسی مدنی در خصوص اخذ تأمین از اتباع بیگانه، حدود و ثغور حقوق اتباع بیگانه را پیش بینی کرده است. علاوه بر مقررات قانون مدنی و مقررات دو یا چند جانبه بین المللی که طبق ماده ۹ قانون مدنی لازم الاجرا هستند؛ بطور کلی و یا با لحاظ شرط رفتار متقابل و شرط دول کامله الوداد حدود حقوق اشخاص بیگانه را تعیین می نمایند. قانون ورود و خروج اتباع خارجه مصوب ۱۳۱۰/۲/۲۹ و اصلاحات بعدی آن، قانون راجع به اموال غیر منقول اتباع خارجه مصوب ۱۳۱۰/۴/۱۶، قانون راجع به ترکه اتباع خارجه مصوب ۱۳۱۱/۲/۲۰، قانون جلب و حمایت سرمایه های خارجی، آیین نامه اشتغال اتباع بیگانه، آیین نامه استملاک اتباع بیگانه و مصوباتی در این خصوص، از دیگر قوانین و مقررات ناظر بر حقوق و تکالیف اتباع بیگانه در کشور ایران هستند (همان منبع).

۶- جایگاه اتباع خارجی در حقوق ایران

موضوع حقوق اتباع خارجی، به عنوان بخشی مهم از حقوق بین الملل، همراه با آموزه‌های نوین حقوقی به کشور ما وارد شد و از نخستین سال‌های قانون گذاری در ایران، مورد توجه و عنایت قرار گرفت. تا پیش از عضویت ایران در مجامع بین المللی و امضای کنوانسیون‌های مرتبط با این مسئله، موضوع اتباع خارجی و حقوق مربوط به آن‌ها در حقوق موضوعه ایران کاملاً جا افتاده بود. قانون مدنی ایران، مصوب سال ۱۳۱۱، موضوع حقوق اتباع خارجی را در کنار شهروندان ایرانی مورد توجه قرار داد. ماده پنج این قانون، تمامی اتباع خارجی را در محدوده حاکمیت دولت ایران، تابع قوانین ایران دانسته و عملاً شمول قوانین موضوعه کشور و به تبع آن حقوقی ناشی از آن‌ها را برای اتباع خارجی نیز به رسمیت شناخته است. به این ترتیب وضع حقوقی اتباع خارجی در ایران، از نخستین روزهای تدوین قوانین کشور مشخص و معلوم بوده است. با این وجود باید توجه داشت که علاوه بر قوانین تدوین شده داخلی، مقاوله‌نامه‌ها و میثاق‌های بین المللی نیز نقش عمده‌ای در تدوین حقوق اتباع خارجی در کشور خارجی دارند (نیایی، ۱۳۷۷).

۷- حقوق خصوصی اتباع بیگانه

امکان برخورداری از حقوق فردی و برقراری روابط با اشخاص حقیقی و حقوقی در قلمرو حقوق خصوصی برای بیگانگان جز در موارد خاص مجاز شناخته شده است. ماده ۹۶۱ قانون مدنی ایران که برگرفته از قانون مدنی فرانسه است حق تمتع اتباع بیگانه از حقوق مدنی را برای آنان به رسمیت شناخته و جز در موارد حقوقی که قانون آن را صراحتاً منحصر به اتباع ایران نموده یا صراحتاً از اتباع خارجه سلب کرده است مثل حق تملک املاک زراعی و همچنین بخشی از حقوق مربوط به احوال شخصیه که قانون دولت متبوع تبعه خارجه آن را نپذیرفته مثل حق طلاق، تعدد زوجات و در مورد حقوق خاصه ای که صرفاً از نقطه نظر جامعه ایرانی ایجاد شده باشد مانند حق قیمومت بر محجور ایرانی یا حق نفقه، در سایر موارد اتباع بیگانه از حقوق مدنی و خصوصی برخوردارند. بعضی از حقوق مزبور توسط معاهدات سیاسی و بعضی توسط قانون به طور مطلق یا در حدود معاهدات یا با شرط معامله متقابل برای آنها پیش بینی شده است. هر چند احوال شخصیه در دسته حقوق خصوصی اشخاص قرار دارد، اما به دلیل ویژگی خاص این شاخه از حقوق خصوصی و اهمیت آن، در گفتاری جداگانه به توصیف و تحلیل آن خواهیم پرداخت. از مهمترین شاخصه های حقوق خصوصی حق استملاک است. مبنای حق تملک اتباع خارجه در ایران معاهدات بین دولتها و قانون ناظر بر این گونه تملک ها و قانون ایران است. (ماده ۸ و ۹۶۶ قانون مدنی و قوانین خاص در این زمینه) اما شکل قراردادهای و عقود در اینگونه معاملات تابع قانون دولت متبوع طرفین می باشد (رفیع نیا، ۱۳۸۴).

۸- عمل متقابل، اصل اول در تدوین حقوق اتباع خارجی

در حقوق موضوعه ایران، بحث حقوق اتباع خارجی، بیش از هر چیز تابع «عمل متقابل» است. به عبارت بهتر دولت ایران همانگونه با یک تبعه خارجی رفتار خواهد کرد که دولت متبوع او با اتباع دولت ایران رفتار کنند. این موضوع را می توان در بسیاری از بخش های قوانین موضوعه مشاهده کرد. به عنوان نمونه در بحث تابعیت ایرانی، ماده ۹۷۸ قانون مدنی تصریح می کند که: «نسبت به اطفالی که در ایران از اتباع دولتی متولد شده اند که در مملکت متبوع آنها اطفال متولد از اتباع ایرانی را به موجب مقررات تبعه خود محسوب داشته و رجوع آنها را به تبعیت ایران منوط به اجازه می کنند معامله متقابل خواهد شد.» علاوه بر اینها موضوع تفاهم نامه ها و قراردادهای همکاری مشترک میان دو کشور، سهم بسزایی در رویکرد حقوقی نسبت به اتباع بیگانه ایفا می کنند. به عنوان مثال عهدنامه مودت میان دولت ایران و افغانستان، در ۱۴ آذرماه ۱۳۰۰ ه.ش، به عنوان اولین سند رسمی مبادله شده میان دو کشور که به تصویب مجلس ایران نیز رسیده است، هنوز هم نشان دهنده رویکرد دو دولت نسبت به اتباع یکدیگر است (نیاکیف ۱۳۷۷).

۹- حقوق خصوصی اتباع بیگانه

امکان برخورداری از حقوق فردی و برقراری روابط با اشخاص حقیقی و حقوقی در قلمرو حقوق خصوصی برای بیگانگان جز در موارد خاص مجاز شناخته شده است. ماده ۹۶۱ قانون مدنی ایران که برگرفته از قانون مدنی فرانسه است حق تمتع اتباع بیگانه از حقوق مدنی را برای آنان به رسمیت شناخته و جز در موارد حقوقی که قانون آن را صراحتاً منحصر به اتباع ایران نموده یا صراحتاً از اتباع خارجه سلب کرده است مثل حق تملک املاک زراعی و همچنین بخشی از حقوق مربوط به احوال شخصیه که قانون دولت متبوع تبعه خارجه آن را نپذیرفته مثل حق طلاق، تعدد زوجات و در مورد حقوق خاصه ای که صرفاً از نقطه نظر جامعه ایرانی ایجاد شده باشد مانند حق قیمومت بر محجور ایرانی یا حق نفقه، در سایر موارد اتباع بیگانه از حقوق مدنی و خصوصی برخوردارند. بعضی از حقوق مزبور توسط معاهدات سیاسی و بعضی توسط قانون به طور مطلق یا در حدود معاهدات یا با شرط معامله متقابل برای آنها پیش بینی شده است. هر چند احوال شخصیه در دسته حقوق خصوصی اشخاص قرار دارد، اما به دلیل ویژگی خاص این شاخه از حقوق خصوصی و اهمیت آن، در گفتاری جداگانه باید به آن پرداخته شود. از مهمترین شاخصه های حقوق خصوصی حق استملاک است. مبنای حق تملک اتباع خارجه در ایران معاهدات بین دولتها و قانون ناظر بر این گونه

تملك ها و قانون ایران است. (ماده ۸ و ۹۶۶ قانون مدنی و قوانین خاص در این زمینه) اما شکل قراردادهای و عقود در اینگونه معاملات تابع قانون دولت متبوع طرفین می باشد (همان منبع).

۱۰- اقسام حقوق اتباع خارجه در ایران

در یک تقسیم بندی کلی حقوق اتباع بیگانه به سه دسته حقوق عمومی - سیاسی و خصوصی تقسیم می شوند.

۱-۱۰ حقوق عمومی اتباع بیگانه

حقوق عمومی اتباع بیگانه مشتمل بر حق حمایت از جان و مال و آزادی ورود و عبور و خروج با حق احترام به محل سکونی - آزادی عقیده - حق اشتغال به حرفه و صنایع و حق مراجعه به مراجع قضایی و هر حق که برای آحاد انسانها اعم از خودی و بیگانه شناخته شده میباشد. اما این حقوق مطلق و بی قید و شرط نیست بلکه از بدو ورود بیگانگان به درون مرزهای کشور، چتر حاکمیت سرزمین میزبان بر آنان سایه می افکند و حقوق و تکالیفی را برای آنان مقرر میدارد. ماده ۲ قانون ورود و اقامت اتباع خارجه مصوب اردیبهشت ۱۳۱۰ و آیین نامه مربوطه شرایطی را برای صدور روادید در نظر گرفته است و تشخیص وجود این شرایط در متقاضیان را به عهده ماموران ایرانی صدور روادید گذاشته است. و البته مرجعی برای شکایت از تصمیمات نادرست احتمالی آنها نیز پیش بینی نشده است.

مهم ترین حقوق عمومی اتباع بیگانه عبارتند از:

۱-۱۰-۱ آزادی ورود، عبور، توقف و خروج:

به طور کلی قانون ایران برای اتباع بیگانه آزادی ورود به خاک ایران را شناخته است اما این آزادی بدون قید و شرط نیست و نیازمند به رعایت یک سری تشریفات و مقرراتی می باشد. در مورد عبور بیگانگان نیز شرایط به همین منوال است و نیاز به اجازه نامه خاص دارد. در مورد توقف یا اقامت، بین اقامت موقت و دائم باید تفاوت قایل شد و هر کدام از آنها احکام خاص خود را دارد اما به طور کلی این حق برای بیگانگان پذیرفته شده البته با یک سری شروطی که برای حفظ نظم و امنیت کشور لازم است. دارندگان مصونیت سیاسی و گذرنامه های سیاسی مانند مامورین کنسولی دولت و افراد خانواده آنها که با آنها در یک خانواده زندگی می کنند به شرط رفتار متقابل و کسانی که با موافقت دولت ایران برای انجام ماموریتهای خارجی وارد کشور می شوند و دارای گذرنامه خدمت هستند مشمول قانون ورود و اقامت اتباع خارجه نیستند.

۱-۱۰-۲ حق حمایت از جان و مال :

برطبق اصل بیست و دوم قانون اساسی ایران جان و مال همه افراد کشور مصون از تعرض است و بیگانگان نیز در میان افراد کشور قرار دارند. همچنین در اغلب عهد نامه ها نیز مفاد این اصل یادآوری شده است، به عنوان مثال ماده اول قرارداد اقامت بین دولت ایران و بلژیک مقرر می دارد: «اتباع هر یک از طرفین متعاهدین در خاک طرف متعاهد دیگر راجع به شخص و اموالشان برطبق حقوق عمومی بین المللی پذیرفته شده و مطابق همان ترتیب با آنها رفتار خواهد شد.

۱-۱۰-۳ حق داشتن امنیت فردی:

اصل امنیت فردی در حقیقت، حمایت از فرد در قبال بازداشتهای خود سرانه، غیر قانونی و نامحدود است. برای سوءاستفاده قدرتها، اصل این است که هیچ گونه بازداشتی ممکن نیست مگر آنکه مجوز آن از سوی مقامات صالح قضایی صادر شده باشد. در این مورد دو اثناء وجود دارد:

۱-۱۰-۴ در جرائم مشهود یا جرائم علیه امنیت کشور

۲- بازداشت احتیاطی بدون مجوز قضایی، بمدت کوتاه (غالباً ۲۴ ساعت) آن هم در صورت لازم و طبق قانون در اصل ۳۲ قانون اساسی ایران به این موضوع اشاره شده است و با توجه به اینکه این اصل یک حکم کلی است که محدود به جامعه ایرانی نشده است، شامل اتباع بیگانه نیز می گردد. البته حفظ امنیت شخصی افراد تنها محدود به بازداشتهای غیر قانونی نیست بلکه در قوانین، مجموعه اصول و احکام و تدابیری پیش بینی شده است تا این امنیت تضمین شود. اصل قانونی بودن جرائم و

مجازات‌ها، اصل عطف به ماسبق نشدن قوانین، علنی بودن محاکمات و حضور وکیل در مراحل بازپرسی و دادرسی جزء مهمترین تدابیری است که برای حراست فرد در مقابل خودسری حکومتها در نظر گرفته شده است.

۱۰-۱-۵ حق احترام به محل سکنی

قانون اساسی ایران در اصل بیست و دوم مسکن شخص را مثل جان و مال او مصون از تعرض شناخته است. به نظر می‌رسد قانونگذار ایرانی قائل به تفاوتی بین اتباع ایرانی و خارجی نباشد و با بکار بردن لغت « اشخاص » اتباع ایرانی و خارجی را از حقوق مساوی برخوردار دانسته است. بنابراین مسکن بیگانگان نیز از احترام برخوردار است و نمی‌توان بدون حکم و مجوز قانونی وارد منزل شخص واز جمله بیگانه شد و منزل او را مورد رسیدگی و تفتیش قرارداد و ایجاد مزاحمت برای شخص نمود.

۱۰-۱-۶ آزادی عقیده

مطابق اصل بیست و سوم قانون اساسی ایران: «تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ کس را نمی‌توان به صرف داشتن عقیده ای مورد تعرض و مواخذه قرارداد.» فرد حق دارد در درون خود هرگونه اعتقاد و باوری نسبت به اخلاق، مذهب، سیاست و فلسفه داشته باشد و کسی نمی‌تواند وی را به علت باورهایش مواخذه کند و زندگی فیزیکی و اجتماعی او را به خطر اندازد. البته در بسیاری از ممالک بویژه آسیا و آفریقا، آزادی عقیده مشروط به موازینی است که در جهت حفظ نظم عمومی برقرار کرده اند. مثلاً دولت اجازه نخواهد داد که اجرای مراسم مذهبی اقلیت، احساسات اکثریت مردم را جریحه دار کند این یک حکم کلی است که کلیه افراد جامعه بشری از جمله بیگانگان حاضر در خاک ایران را نیز در بر می‌گیرد.

۱۰-۱-۷ حق اشتغال به هر گونه حرفه و صنعت:

به طور کلی اتباع بیگانه می‌توانند در ایران به هر تجارت، صنعت و حرفه ای جز آنچه قانوناً منحصر به اتباع ایرانی است و یا در انحصار دولت می‌باشد، اشتغال ورزند. ماده ۱۲۰ قانون کار در این زمینه بیان می‌دارد که: « اتباع بیگانه نمی‌توانند در ایران مشغول به کار شوند مگر اینکه اولاً دارای روادید ورود با حق کار مشخص بوده و ثانیاً مطابق قوانین و آیین نامه های مربوطه پروانه کار دریافت دارند.» اشتغال اتباع بیگانه به حرف و مشاغل خصوصی مستلزم اخذ پروانه رسمی کار از وزارت کار و امور اجتماعی است. در آیین نامه اشتغال به کار اتباع بیگانه شرایطی تدوین و تنظیم شده که دو اصل مهم آن قابل یادآوری است. ۱- حقوق و دستمزد تبعه ایرانی در شرایط مساوی نباید از حقوق تبعه بیگانه کمتر باشد. ۲- اتباع بیگانه در مشاغل به کار گرفته می‌شوند که اتباع ایرانی آماده به کار واجد اطلاعات تخصصی در مورد مشابه در دسترس و کافی نباشند. حق استخدام کارشناسان خارجی به موجب اصل ۸۲ قانون اساسی جز در موارد ضرورت آنها با تصویب مجلس شورای اسلامی ممنوع است. اتباع خارجه از استخدام در وزارتخانه و سازمانها و دوایر دولتی و نهادهای عمومی غیر دولتی و مشاغل قضایی محروم هستند. صدور پروانه طبابت، داروسازی و دندان سازی و مامائی و سایر حرف پزشکی نیز تحت مقرراتی با موافقت وزارت بهداشت و درمان، برای اتباع بیگانه میسر است، اخذ کارت بازرگانی و فعالیت های تجاری برای تجار خارجی مقیم ایران وفق ماده ۸ قانون تشویق صادرات و واردات کالا به تشخیص وزارت بازرگانی و تایید سفارت دولت متبوع تبعه بیگانه و داشتن پروانه اقامت و پروانه کار معتبر از وزارت کار، مجاز شناخته شده است. اتباع بیگانه از پاره ای مشاغل خصوصی مانند وکالت دادگستری و سردفتری اسناد رسمی مطلقاً ممنوع هستند.

۱۰-۱-۸ حفظ حیثیت بیگانه:

بیگانه بدلیل اینکه انسان است باید از هر گونه اهانت که حیثیت او را از بین میبرد مصون بماند. کسی نمی‌تواند بیگانگان را به خاطر اینکه مثلاً از نژاد زرد یا سیاه هستند یا تابع کشوری خاص هستند و امثال این موارد، مورد تعرض قرار دهد. هتک حرمت بیگانگان مثل اتباع داخله حتی اگر بنابر دلایل قانون مانند ارتکاب جرم، دستگیر، بازداشت و زندانی هم بشوند ممنوع است (نیایکی، ۱۳۵۵).

۱۰-۱-۹ حق مراجعه به مراجع قضایی :

با شناخت حق تمتع از حقوق مختلف برای بیگانه لازمه این حق آن است که برای او حق رجوع به مراجع قضایی به نیز شناخته شود. به این جهت در حقوق ایران بیگانگان نیز مانند اتباع ایران حق ترافع نزد مراجع قضایی ایران را برابر قواعد حاکم

بر صلاحیت دادگاهها در ایران دارا می باشند. لکن به منظور جلوگیری از سوءاستفاده های احتمالی هرگاه تبعه بیگانه دعوی علیه شخص ایرانی مطرح کند طرف ایرانی میتواند از دادگاه درخواست کند وفق ماده ۱۴۴ قانون آیین دادرسی مدنی از تبعه بیگانه تامین مقتضی اخذ شود. اما اگر تبعه ایرانی علیه تبعه بیگانه طرح دعوی نماید تبعه بیگانه از چنین حقی برخوردار نیست. البته قانونگذار ایرانی در مواردی بیگانه را از دادن تامین مورد نظر معاف کرده است. این موارد عبارتند از: (۱) در صورتی که اتباع ایران در خاک دولت متبوع وی از دادن تامین معاف می باشند، (۲) در دعاوی راجع به برات، فته طلب و چک، (۳) در دعاوی متقابل، (۴) در دعاوی مستند به سند رسمی، (۵) در دعوی که اقامه آنها بر اثر انتشار آگهیهای رسمی صورت می گیرد (فدوی، ۱۳۹۳).

۱۰-۱-۱۰ سایر حقوق انسانی:

هرحقی که برای آحاد انسانها اعم از خودی و بیگانه شناخته شده می باشد و به جهت شخصیت انسان و حفظ احترام آنها وضع شده است، نه با توجه به ملیت و تابعیت آنها، اتباع بیگانه از آن برخوردار می باشند.

۱۰-۲ حقوق سیاسی اتباع بیگانه

حقوق سیاسی عبارت است از حقوقی که در فقط به اتباع داخله نسبت داده شده و لازمه بهره مندی از آنها وصف تابعیت است. بدین ترتیب بیگانگان اصولاً از حقوق سیاسی برخوردار نیستند و فلسفه این امر از یک سو جلوگیری از دخالت و اعمال نفوذ اتباع بیگانه در امور داخلی و سیاسی کشورها و از سوی دیگر تعارض منافع کشور متبوع بیگانه با منافع کشور اعطاء کننده حق سیاسی به تبعه بیگانه است.

۱۰-۲-۱ حق شرکت در انتخابات:

حق شرکت در انتخابات از نظر بسیاری از جمله مسئولیتها و امتیازات شهروندی از نقطه نظر تابعیت می باشد. اتباع بیگانه از حق انتخاب کردن و انتخاب شدن در انتخابات و نامزدی در مشاغل سیاسی، انتخابی و انتصابی ممنوع هستند. دوما حقوقدان فرانسوی معتقد است: بیگانگان عضو جامعه ای که کشور را تشکیل می دهند نیستند از این رو نباید از حقوق سیاسی برخوردار باشند.

۱۰-۲-۲ خدمت نظام وظیفه:

مهمترین وظیفه سیاسی اتباع یک کشور خدمت انجام نظام وظیفه است. در ایران هنگام جنگ هر مردی که توانایی بدنی دارد، برای جنگ فراخوانده می شود و در زمان صلح به صورت خدمت اجباری سربازی اجباری یا داوطلبانه در نیروهای مسلح حاضر می شوند. بیگانگان از این تکلیف مستثنی هستند.

۱۰-۲-۳ پرداخت مالیات:

هر شهروندی موظف به پرداخت مالیات بر درآمد و دیگر عوارض قانونی بر اساس درستکاری و سر موقع می باشد. بیگانگان نیز موظف به چنین پرداختهایی به دستگاه حکومت می باشند. بند ۵ از ماده ۱ قانون مالیتهای مستقیم در این زمینه مقرر داشته: «اشخاص زیر مشمول پرداخت مالیات می باشند: ... ۵- هر شخص غیر ایرانی (اعم از حقیقی یا حقوقی) نسبت به درآمدهایی که در ایران تحصیل می کند و همچنین نسبت به درآمدهایی که بابت واگذاری امتیازات یا سایر حقوق خود یا دادن تعلیمات و کمکهای فنی یا واگذاری حق پخش فیلمهای سینمایی (که به عنوان بها یا حق نمایش یا هر عنوان دیگر عاید آنها می گردد) از ایران تحصیل می کند».

۱۰-۲-۴ سایر حقوق سیاسی:

بیگانگان از مشاغل دولتی و نظامی و انتظامی ممنوع هستند. به موجب اصل ۸۲ ق.ا. استخدام کارشناسان خارجی از طرف دولت ممنوع است مگر در موارد ضرورت با تصویب مجلس. همچنین اصل ۱۴۵ ق.ا. مقرر می دارد که هیچ فرد خارجی به عضویت در ارتش و نیروهای انتظامی کشور پذیرفته نمی شود.

۱۰-۳ حقوق خصوصی اتباع بیگانه

امکان برخورداری از حقوق فردی و برقراری روابط با اشخاص حقیقی و حقوقی در قلمرو حقوق خصوصی برای بیگانگان جز در موارد خاص مجاز شناخته شده است. ماده ۹۶۱ قانون مدنی ایران که برگرفته از قانون مدنی فرانسه است حق تمتع اتباع بیگانه از حقوق مدنی را برای آنان به رسمیت شناخته و جز در موارد حقوقی که قانون آن را صراحتاً منحصر به اتباع ایران نموده یا صراحتاً از اتباع خارجه سلب کرده است مثل حق تملک املاک زراعی و همچنین بخشی از حقوق مربوط به احوال شخصیه که قانون دولت متبوع تبعه خارجه آن را نپذیرفته مثل حق طلاق، تعدد زوجات و در مورد حقوق خاصه ای که صرفاً از نقطه نظر جامعه ایرانی ایجاد شده باشد مانند حق قیمومت بر محجور ایرانی یا حق نفقه، در سایر موارد اتباع بیگانه از حقوق مدنی و خصوصی برخوردارند. بعضی از حقوق مزبور توسط معاهدات سیاسی و بعضی توسط قانون به طور مطلق یا در حدود معاهدات یا با شرط معامله متقابل برای آنها پیش بینی شده است. هر چند احوال شخصیه در دسته حقوق خصوصی اشخاص قرار دارد، اما به دلیل ویژگی خاص این شاخه از حقوق خصوصی و اهمیت آن، در گفتاری جداگانه به توصیف و تحلیل آن خواهیم پرداخت. از مهمترین شاخصه های حقوق خصوصی حق استملاک است. مبنای حق تملک اتباع خارجه در ایران معاهدات بین دولتها و قانون ناظر بر این گونه تملک ها و قانون ایران است. (ماده ۸ و ۹۶۶ قانون مدنی و قوانین خاص در این زمینه) اما شکل قراردادهای و عقود در اینگونه معاملات تابع قانون دولت متبوع طرفین می باشد (سلجوقی، ۱۳۷۰).

۱۱- بحث و نتیجه گیری

در هر کشوری ساکنان با توجه به تابعیت به دو دسته تقسیم می گردند. دسته اول که معمولاً اکثریت قاطعی را تشکیل می دهند و تبعه همان کشور محسوب می گردند و وضع حقوقی آن ها مشخص و معلوم است و دسته دوم کسانی هستند که عنوان بیگانه را دارند یعنی تابعیت کشور محل توقف را ندارند. اعم از این که اساساً تابعیت هیچ کشوری را ندارند یا دارای تابعیتی غیر تابعیت محل توقف هستند. بحث وضعیت حقوق خصوصی بیگانگان، حاکی از آن است که شخص در خارج از کشور متبوعه خود حقوق و وظایفی را بر عهده دارد؛ به تعبیری موضوع بحث برخورداری از حقوق است اما نکته قابل توجه عبارت است از تعیین حقوقی که افراد به جهت خارجی بودن از آن محروم می باشند. در نوشتار پیش رو بیگانه مطابق تعریف کسی است که تابعیت ایران را ندارد و شامل تمامی کسانی می شود که از تابعیت بی بهره اند و اصطلاحاً آپاترید می باشند. در این نوشتار سعی شده تا ضمن تشریح تطور حقوقی خصوصی ایران راجع به اتباع بیگانه، وضعیت حقوقی ایشان با توجه به قوانین فعلی ایران و آنچه به عنوان عرف بین المللی مطرح است مورد توجه واقع شود. در دوران حاضر، قوه مقننه هر کشور سوای از وضع نمودن قواعد حاکم بر مناسبات و روابط حقوقی اتباع کشور از یک طرف با دولت و از طرفی دیگر با یکدیگر، تنظیم قواعد حاکم بر روابط با اتباع بیگانه را نیز در قلمرو خود از یک سو حق و از سوی دیگر تکلیف خود می شمارد. قواعدی که از این طریق درباره وضع بیگانگان وضع می شوند عام هستند بدین معنا که شامل تمامی بیگانگان می شوند. برخلاف عصر کنونی که شناختن حق تمتع بیگانگان از حداقل حقوق در کشورهای دیگر از اصول مسلم و بدیهی حقوق بین الملل به شمار می آید و دولت ها ملزم به وضع مقررات و قوانینی می باشند که این حداقل را برای بیگانگان تأمین و تضمین نماید، در گذشته کم تر دولتی برای بیگانگان چنین حقوقی را قایل می شده است. اگر چه هر کشوری برای ورود بیگانگان به قلمرو خود شرایطی را در نظر می گیرد اما این کشورها در هر حال مکلف به پذیرش اتباع بیگانه نیستند. به محض این که بیگانه ای با احراز آن شرایط برای ورود به قلمرو کشوری پذیرفته شود، آن کشور بایستی نسبت به تعیین حداقل حقوق برای شخص مذکور بر اساس مصالح و مقتضیات جامعه خود از یک طرف و از طرف دیگر الزامات و تعهدات بین المللی دولت برای صیانت از حقوق فرد در روابط بین المللی اقدام نماید. همان طور که گفته شد قوه قانونگذاری هر کشور نه تنها که حق دارد بلکه مکلف است تا درباره وضعیت اتباع بیگانه قانون وضع نماید که این قوانین عام هستند اما در کنار این قواعد، قاعده های دیگری نیز یافت می شوند که تنها شامل دسته ای از بیگانگان می گردند، قواعدی همچون: قاعده هایی که آن ها را دولت ها در عهدنامه های میان خود به نفع اتباع یکدیگر می پذیرند و اجرای آن را متعهد می گردند. با وضع چنین قواعدی دولت ها نشان می دهند که در گستره قلمروی خویش

برای بیگانگان قابل به شخصیت حقوقی بوده، آن‌ها را متمتع از حقوق می‌شناسند. با این همه دولت‌ها تکلیفی ندارند که حقوق بیگانگان را برابر حقوق اتباع خویش قرار دهند. اگر مقایسه‌ای اجمالی میان حقوق اتباع و بیگانگان در کشورهای مختلف صورت پذیرد، به وضوح دیده خواهد شد که اگر در مواردی حقوق این دو دسته از افراد برابر است، اما در مواردی دیگر متفاوت و حقوق اتباع بیگانه به مراتب محدودتر از حقوق اتباع می‌باشد حتی در مواردی ایشان به جهت بیگانه بودن از برخی حقوق محروم هستند. در کشور ایران نیز مقررات مختلفی درباره وضعیت بیگانگان وجود دارد. این مقررات بر دو نوع می‌باشند که در آن‌ها شرایط ورود بیگانه به ایران و اقامت و کار او و خروج او از کشور تعیین شده‌اند. این مقررات در زمره مقررات اداری دانسته می‌شود و هر بیگانه‌ای در ایران باید خود را با آن منطبق کند. دسته دیگر قواعدی می‌باشند که در آن‌ها حقوق بیگانگان در ایران تعیین گردیده است. مقررات دسته اول اولویت و تقدم بر دسته دوم دارند و این تقدم در آن است که شرط استفاده بیگانه از برخی حقوق در ایران بسته به انطباق وضع او با مقررات اداری یاد شده می‌باشد، مانند آن که شرط استفاده بیگانه از حق کار در ایران آن است که وی روادید ورود، پروانه اقامت، و پروانه کار از مراجع ذیصلاح و ذیربط ایرانی گرفته باشد. اشخاص بیگانه نیز در ایران بر دو نوع می‌باشند: اشخاص حقیقی و اشخاص حقوقی. وضعیت این دو نوع اشخاص در ایران نسبت به یکدیگر کم و بیش تفاوت‌هایی دارد. از این تحقیق می‌توان نتیجه گرفت که یکی از موضوعات بسیار مهم در حقوق بین الملل خصوصی هر کشوری، تعیین حقوق خصوصی بیگانگان در آن کشورهاست که بر اساس آن، اشخاص و افراد موجود در محدوده جغرافیای سیاسی آن کشور، به دو دسته تبعه و بیگانه تقسیم می‌گردند. کشور جمهوری اسلامی ایران، به عنوان یکی از اجزاء جامعه جهانی، از این قاعده مستثنی نبوده و با وضع قواعد و مقررات مربوط به تابعیت، مبادرت به مرزبندی حقوق بیگانگان در ایران نموده است. در پایان لازم به ذکر است که اشخاص تبعه خارجی مثل اشخاص حقیقی ایرانی از از حقوق بهره مند می‌باشند و این در صورتی است که قوانین مربوط به تابعیت ایرانی را رعایت و از سازمان‌های ذیربط مجوز حضور و اقامت در ایران را بگیرند در این صورت با چنین اشتخاصی مثل افراد عادی کشور ایران رفتار و تمام حقوق یک افراد عادی را دارا می‌باشند بنابراین برای اتباع خارجی پیشنهاد می‌کنیم که برای برخورداری از تمام امتیازات و حقوق‌های یک فرد از روش‌های قانونی برای اقامت در ایران استفاده کنند.

منابع

۱. بهرام پور، حبیب. حقوق و تکالیف بیگانگان در ایران، ۱۳۹۱، برگرفته از سایت <http://iranianlaw.blogfa.com>
۲. جعفری لاهیجانی، خدیجه. محدودیت‌های حقوق خصوصی اتباع بیگانه در حقوق ایران. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه مازندران، ۱۳۹۰.
۳. رفیع نیا، حقوق بین الملل خصوصی یک، تهران، انتشارات آگاه، سال ۱۳۸۴.
۴. سلجوقی، محمود، حقوق بین الملل خصوصی، انتشارات دفتر خدمات حقوقی بین المللی، ۱۳۷۰.
۵. فدوی، سلیمان، بررسی استملاک اتباع بیگانه در ایران، کانون شماره ۳۹، ص ۲۲
۶. نیاکی، جعفر، ممنوعیت استملاک اموال غیر منقول توسط بیگانگان، مجله حقوقی، شماره ۲۲.
۷. نیاکی، جعفر، حقوق سازمانهای بین المللی، نشریه شماره ۵۸، جلد اول، چاپ دوم، سال ۱۳۵۵.